



The Ethical Education of Children Aged Seven to Fifteen in the Conduct of the Imams*

Hosein Javadinia¹ 

1- Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran
javadinia@cfu.ac.ir



Abstract

The present study investigates the ethical education of children aged seven to fifteen based on the conduct of the Imams. To this end, Islamic sources—particularly hadith literature—were examined using a descriptive-analytical method with an applied approach. The collection and analysis of narrations concerning this topic reveal that this age range corresponds to the second stage of the Islamic educational system for children, namely the stage of instruction. During this period, children are expected to develop virtuous character traits and avoid moral and behavioral deviations. The conduct of the Imams regarding the ethical education of children in this age group encompasses a wide range of narrations containing valuable teachings, offering a comprehensive program for educators. Achieving ethical development at this stage, especially in adolescents, requires adherence to key moral principles. The most important factor is gentleness in teaching religious obligations, particularly prayer.

*Cite this article: Javadinia, H. (2025). The Ethical Education of Children Aged Seven to Fifteen in the Conduct of the Imams, *Journal in Applied Ethics Studies*, 1(79), 103-135.
<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71003.2012>.

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/02/05 • **Revised:** 2025/03/19 • **Accepted:** 2025/03/29 • **Published online:** 2025/08/29

Appropriate encouragement, constructive punishment coupled with measured advice, timely guidance, refraining from reproaching children in front of others, and conscious overlooking of minor and unintentional mistakes play a significant role in improving and nurturing desirable behaviors. Moreover, engaging in play with children while showing affection and respect, fulfilling promises, offering suitable role models, guiding them in choosing good friends, and providing simple and correct answers to religious questions aid them in learning and discovering the correct way of life.

Keywords

ethical education, conduct of the Imams, educational system, religious teachings, adolescence.



سيرة المعصومين عليه السلام في التربية الأخلاقية للأطفال في العمر من سبع إلى خمس عشرة سنة*

حسين جواد نيا^١

١- أستاذ مساعد في قسم تعليم المعارف الإسلامية، جامعة فرهنكيان، طهران - إيران.

javadinia@cfu.ac.ir



سيرة المعصومين
در تربيت اخلاقي
فرزندانش هفت تا پانزده ساله

ملخص

تمت هذه الدراسة بهدف دراسة سيرة الأئمة في التربية الأخلاقية للأطفال من عمر سبع سنوات إلى خمسة عشر عاماً. فلهذا الغرض، تم تحليل النصوص الإسلامية (وخاصة النصوص الرواية) بطريقة وصفية - تحليلية استناداً إلى منهج توظيفي. فقد أظهرت الروايات المتعلقة بهذا الموضوع في سيرة المعصومين عليه السلام - بعد جمعها وتحليلها - أن هذه الفترة تتوافق مع المرحلة الثانية من النظام التربوي للأطفال، وهي مرحلة التعلم. فيجب على الأطفال في هذه المرحلة العمرية أن يتعلموا الأخلاق الحميدة مبتعدين عن الانحرافات في السلوك والأخلاق. وتتضمن سيرة المعصومين في التربية الأخلاقية للأطفال من سن ٧ إلى ١٥ عاماً

***الاستناد إلى هذه المقالة:** جواد نيا، حسين (٢٠٢٥). سيرة المعصومين عليه السلام في التربية الأخلاقية للأطفال في العمر من سبع إلى خمس عشرة سنة. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ١(٧٩)، صص ١٠٣-١٣٥.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71003.2012>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٢/٠٥ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٣/١٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٣/٢٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٨/٢٩



نطاقاً متنوعاً من الروايات ذات مفاهيم قيمة تضع برنامجاً شاملاً بين يدي المربين. بناءً عليه، فإن الشرط الأساسي لتحقيق التربية الأخلاقية لدى الأطفال في هذه الأعمار (خاصة المراهقين) هو الالتزام بالمتطلبات الأخلاقية. العامل الأهم هو التسامح في تعليم الواجبات الدينية، ولا سيما الصلاة.

للتشجيع المناسب، والتنبيه البناء مع النصيحة الملائمة، والتوجيه المناسب، وتجنب لوم الطفل أمام الآخرين، وتغافل الأخطاء الصغيرة وغير المرغوب فيها لدى الأطفال، لكل من هذه العوامل دور كبير في تحسين وتطوير سلوكهم المناسب. بالإضافة إلى ذلك، اللعب معهم بحب واحترام، والالتزام بالمواعيد يتسبب في خلق تعامل مؤثر معهم، كما يساعدهم تقديم نماذج مناسبة، والإرشاد في اختيار الأصدقاء الجيدين، والإجابة الصحيحة والبسيطة على الأسئلة الدينية، في التعلم واكتشاف مبادئ نمط الحياة الصحيحة.

الكلمات المفتاحية

التربية الأخلاقية، سيرة المعصومين عليه السلام، النظام التربوي، التعاليم الدينية، المراهقون.



سیره پیشوایان در تربیت اخلاقی فرزندان هفت تا پانزده ساله*

حسین جوادی نیا^۱

۱- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

javadinia@cfu.ac.ir



چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سیره پیشوایان در تربیت اخلاقی فرزندان هفت تا پانزده ساله صورت گرفته است؛ به این منظور، متون اسلامی (به ویژه متون روایی) با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کاربردی بررسی شدند. گردآوری و تحلیل روایات ناظر به این موضوع در سیره پیشوایان نشان می‌دهد این بازه زمانی با دومین مرحله از نظام تربیتی فرزندان، یعنی مرحله آموزش منطبق است. فرزندان در این دوره باید خلق و خوی پسندیده را فرا گرفته، از کژی‌های خلقی و رفتاری دوری گیرند. سیره پیشوایان در تربیت اخلاقی فرزندان هفت تا پانزده ساله شامل طیف متنوعی از روایات با آموزه‌های ارزنده است که برنامه‌ای جامع فرا روی مربیان قرار می‌دهد. براین اساس، لازمه دستیابی به تربیت

* **استناد به این مقاله:** جوادی نیا، حسین (۱۴۰۴). سیره پیشوایان در تربیت اخلاقی فرزندان هفت تا پانزده ساله. مطالعات اخلاقی کاربردی، مطالعات اخلاق کاربردی، ۱(۷۹)، صص ۱۰۳-۱۳۵.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71003.2012>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷



اخلاقی فرزندان در این سنین (به‌ویژه نوجوانان)، رعایت بایسته‌هایی اخلاقی است. مهم‌ترین عامل، مدارا در آموزش تکالیف دینی به‌ویژه نماز است. تشویق متناسب، تنبیه سازنده همراه با اندرز به‌اندازه، راهنمایی به‌جا، پرهیز از سرزنش فرزند نزد دیگران و غفلت آگاهانه از خطاهای کوچک و ناخواسته فرزندان، نقش بسزایی در بهبود و توسعه رفتار مناسب ایشان دارد. افزون‌بر این، هم‌بازی شدن با آنان همراه با محبت و احترام و خوش‌قولی، موجب هم‌زبانی با ایشان می‌شود و ارائه الگوهای مناسب، راهنمایی در انتخاب دوستان خوب و پاسخ درست و ساده به پرسش‌های دینی، به آنان در فراگیری و کشف آیین درست زندگی یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها

تربیت اخلاقی، سیره پیشوایان، نظام تربیتی، آموزه‌های دینی، نوجوان.



مقدمه

تربیت اخلاقی، روح و روان را از رذایلی که مانع شکوفایی استعدادهای طبیعی است، پاک ساخته و زمینه رشد همه‌جانبه آن را فراهم می‌آورد. صفات روحی و معنوی، چونان بذری آماده، از خردسالی شکوفا شده و به‌مرور زمان، نهال خصلت‌های فردی و اجتماعی را در انسان پدیدار می‌سازد.

با گذر زمان، هرچه ریشه‌ها و شاخه‌ها گسترده‌تر و محکم‌تر شوند، آن خصلت‌ها نیز در فرد راسخ‌تر گشته و در نتیجه، زدودن و پیراستن را دشوارتر خواهد ساخت؛ ازاین‌رو، تربیت اخلاقی در سنین کمتر، زحمت کمتر و البته نتیجه پربارتر خواهد داشت؛ همچنان که امام‌علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام‌حسن علیه السلام فرمود: «دل نوجوان چونان زمین خالی است که هرچه در آن افکنند بپذیرد؛ ازاین‌رو، به ادب آموختن پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت و ذهنت مشغول شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

ازسوی دیگر، توجه به ظرفیت‌های متنوع روحی و جسمی و ابعاد معنوی انسان، فصلی طولیل و پُر از آزمون و خطا فرا روی مربیان قرار می‌دهد. از این منظر، اهمیت چنگ‌زدن به ریسمانی محکم و برنامه‌ای قابل اعتماد که بتواند از حیث جسمی و روحی، رشدی متوازن و متناسب به همراه داشته باشد و سعادت دنیوی و اخروی مرتبی را تضمین کند، دوچندان می‌گردد.

قرآن کریم به‌منزله آخرین پیام آسمانی برای انسان زمینی (احزاب، ۴۰) و سیره علمی و عملی پیشوایان به‌عنوان تفسیر عملی آن (نحل، ۴۴؛ حشر، ۷)، منبعی غنی و قابل اعتماد برای دستیابی به این هدف است؛ چراکه این منابع در تبیین برنامه‌های تربیتی، به ابعاد مختلف روحی و جسمی و دنیوی و اخروی توجه دارند و یکی را فدای دیگری نمی‌کنند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۶)، بلکه در برنامه‌ای منسجم و هماهنگ، ابعاد مختلف وجودی او را می‌پروراند تا از زلال معرفت سیراب شود و با نهادینه کردن عادت‌های پسندیده، از کثری‌های خلّقی و رفتاری در امان ماند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۸).





با این مقدمه، این پرسش مطرح است که سیره پیشوایان در تربیت اخلاقی فرزندان به‌ویژه نوجوانان چگونه بوده است و در این زمینه چه راهکارهایی فرا روی مریان ترسیم کرده‌اند؟

پیشینه تحقیق

درباره تربیت فرزندان از منظر قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله:

- «روش‌های تربیت کودک تا هفت سالگی از منظر امام علی علیه‌السلام» از رضایت (۱۳۹۴)؛
- «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا هفت سال براساس آموزه‌های اسلام» از موحدی پارسا و همکاران (۱۳۹۷). در این مقاله محققان، تأثیر تربیت اخلاقی را در هفت سال اول زندگی فرزندان بررسی کرده‌اند؛
- «تربیت کودک از دیدگاه قرآن و روایات» از حیدری و ساعتی (۱۴۰۱). این پژوهش با تمرکز بر تأثیر تربیت محیطی (خانواده و جامعه) انجام شده است؛
- «مراحل تربیت اخلاقی کودک با تأکید بر منابع اسلامی» از امیری و همکاران (۱۴۰۳). این پژوهش بر مراحل تربیت اخلاقی در دوره‌های جنینی و نوزادی تأکید دارد؛
- «شیوه‌های تربیت اخلاقی فرزندان برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام» از فقیهی و همکاران (۱۳۹۸). محققان از منظر روان‌شناختی و بدون محدودیت سنی به این موضوع پرداخته‌اند؛
- «بررسی اهداف تربیت دینی نوجوانان با رویکرد نشاط‌آوری» از نیرومند و همکاران (۱۳۹۹). محققان در یک بررسی کلی و با رویکرد نشاط‌آوری به موضوع پرداخته‌اند؛
- «اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا» از فاضلی (۱۳۹۰). نگارنده با نقل روایاتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، این مراحل را از دوره پیش از تولد تا نوزادی بررسی کرده است؛
- «تأثیر آموزه‌های دینی بر تربیت جوانان» از مرادی گروسی (۱۴۰۳). نگارنده بدون استناد روایی، برخی از راهکارهای مؤثر در تقویت دین‌داری جوانان را بررسی کرده است؛

- «اصول و روش‌های تربیت دینی و بصیرت‌افزایی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه» از شمسایی و احمدزاده (۱۴۰۳). محقق بدون در نظر گرفتن محدوده سنی خاص، عناوین کلی ناظر به تربیت و بصیرت را برشمرده است.

با توجه به اهمیت دوران خردسالی و نوجوانی در حوزه تربیت و تأثیر ماندگار و پُربار تربیت اخلاقی در این بازه، پژوهش حاضر درصدد است به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کاربردی، در سیره پیشوایان کاوش کرده، با تمرکز بر محدوده سنی هفت تا پانزده سالگی و تأکید بر قشر نوجوان، روایات معتبر ناظر به این موضوع را از مصادر اولیه استخراج و دسته‌بندی کند تا ضمن ارائه نمای کلی از منظومه تربیتی پیشوایان، نکته‌های کاربردی مرتبط با این بازه سنی را که در دیگر پژوهش‌ها مغفول مانده، واکاوی و بازخوانی کند. پژوهش حاضر از این نظر، پژوهشی نو و بدیع به شمار می‌رود.

۱. مفاهیم محوری

در این تحقیق از برخی از مفاهیم به مثابه مبنای مفهومی استفاده شده است؛ از این رو، بررسی تعاریف این مفاهیم و ارائه یا برگزیدن دیدگاه‌هایی در این باره ضروری است.

۱.۱. سیره

سیر یعنی راه رفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲). سیره بر وزن فعلة است و بر نوع و هیئت عمل دلالت دارد؛ همان‌طور که ابن مالک گفته است: «وَفَعَلَهُ لِهَيْئَةٍ كَجِلْسَةٍ» (ابن مالک، بی تا، ص ۴۱) و بر حالت راه رفتن دلالت دارد؛ غریزی باشد یا آموزشی، نیک باشد یا بد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۳). سیره‌شناسی به معنای عام یعنی گزارش رفتارها و فعالیت‌های یک فرد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۰) و به معنای خاص یعنی شناخت منطق عملی و اصول حاکم بر رفتار آن فرد (= سبک‌شناسی) (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۵۹).





۲.۱. تربیت

تربیت از ریشه «رب» (ابن الاثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۸۰) یا «ربو» بر فزونی (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۸۳)، نمو (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، صص ۳۰۴ و ۳۰۷) و پرورش تدریجی تا رشد کامل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶) دلالت دارد. تربیت یعنی شکوفاسازی استعدادهای طبیعی (کاردان و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۷) و به فعلیت رساندن آنها (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۵۵۱) برای رسیدن به کمال‌های دنیوی و اخروی (کاردان و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۸۴).

۳.۱. اخلاق

اخلاق جمع خُلق است و به خوی، سرشت و منش درونی دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۶). رفتار بیرونی، نمودی از منش درونی است؛ قرآن کریم می‌فرماید: «بگو هر کس به ساختارِ خود عمل می‌کند» (اسراء، ۸۴). در تعریف اصطلاحی، «اخلاق» بیان‌کننده صفات و رفتارهای ثابت انسان است؛ یعنی آنچه ناظر به هیئتی استوار در نفس بوده و ملکه ذهن است و بدون نیاز به اندیشه از انسان سر می‌زند» (پورشافعی و غلام‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

۲. تربیت اخلاقی فرزندان هفت تا پانزده‌ساله

فرزندان هفت تا پانزده‌ساله، به‌ویژه نوجوانان، از ظرفیت روحی و جسمی رقیقی برخوردارند و تربیت اخلاقی آنان نیازمند توجه به نکته‌های دقیق و رعایت ظرایفی است تا خُلق و خوی پسندیده را فراگرفته، از صفات ناپسند دوری گزینند. این نکته‌سنجی‌های تربیتی، در سیره پیشوایان نمود بارزی دارد که در اینجا به تفصیل به آن می‌پردازیم.

۲. ۱. توجه به نظام تربیتی

مطابق با آموزه‌های دینی، نظام تربیتی فرزندان در سه مرحله تفریحی، آموزشی و راهنمایی تعریف شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مراحل را چنین یاد کرده است: «فرزندت هفت سال چنان ارباب [خواسته‌های منطقی‌اش اجابت می‌شود] و هفت سال چنان خدمتکار [آموزش می‌بیند] و هفت سال چنان وزیر است [و مشورت داده می‌شود]» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲).

امام علی علیه السلام فرمود: «فرزند هفت سال برای بازی رها می‌شود و هفت سال تربیت می‌شود و هفت سال به کار گماشته می‌شود» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳). امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندت را واگذار که هفت سال بازی کند و [پس از آن] هفت سال [آموزش ده تا] تربیت شود [و امور لازم را یاد بگیرد] و هفت سال دیگر او را با خود همراه بدار [و راهنمایی کن تا کم روی پای خود بایستد و مستقل شود]» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۶) و در سخنی دیگر فرمود: «پسر هفت سال را به بازی بگذرانند و [در] هفت سال [دوم] قرآن بیاموزد و [در] هفت سال [سوم]، حلال و حرام را یاد بگیرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۱).

گفتنی است در برخی از روایات، مدت هریک از مراحل تفریحی و آموزشی، شش سال و مدت مرحله راهنمایی، هفت سال یاد شده است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۱۱۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷). «از دیدگاه برخی روان‌شناسان، آموزش برای کودکان زیر هفت سال جذابیتی ندارد، مگر در قالب بازی و شادی و بهتر آن است که آموزش مسائل انتزاعی و مفهومی را از ۷ سال به بالا که رشد شناختی پدیدار می‌شود آغاز کنیم» (گریوانی، ۱۳۹۹، ص ۳۶).

افزون بر این، لازمه چنین مراقبتی، نرم‌خویی و شکیبایی پدر و مادر است تا فرزند دل‌بندشان، آهسته و پیوسته در راه پیمایش کمال‌های اخلاقی گام بردارد؛ همچنان که قرآن کریم درباره نماز فرمود: «خانواده‌ات را به نماز وادار و بر [گزاردن] آن شکیبایی





ورز» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۱).

پیامبر اکرم فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر کار نیک یاری کند. پرسیدند: چگونه او را بر کار نیک یاری کند؟ فرمود: آنچه در توان او است [و انجام می‌دهد] را بپذیرد و از آنچه در توانش نیست درگذرد و او را به زحمت نیندازد و بدون اندیشه او را به تباهی نکشاند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰) و در سخنی دیگر فرمود: «خدا رحمت کند پدر و مادری را که فرزندشان را بر نیکی به آن دو [و انجام وظایف فرزندی و ادای حق پدر و مادر] یاری رسانند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۸؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۲).

۲.۲. زمینه‌سازی برای تربیت

فرزند درست کار، یادگاری شایسته، و گلی از بوستان بهشت است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳) و این مطلوب، زمانی محقق می‌شود که زیرساخت تربیتی و زمینه‌های رشد دینی در او آماده شود؛ ازاین رو، وقتی مردی از پیامبر پرسید: «حق پسر من چیست؟»، فرمود: «نام نیکی برایش انتخاب کنی، آداب نیک به وی بیاموزی [و خوب تربیتش کنی]، به کاری مناسب بگماری [و کمکش کنی تا به جایگاه آبرومندی برسد]» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۸) و «مادرش را گرامی داری» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹) و با او به نیکی معاشرت کنی تا طعم شیرین زندگی مشترک را بچشد و یاد بگیرد در آینده با همسر خود چگونه رفتار کند. همچنین پدر باید امکان تحصیل و ازدواج فرزندش را فراهم سازد و «به او دانش بیاموزد و هنگامی که به سن رشد رسید، برایش همسری [شایسته] برگزیند» (فتال نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۹).

افزون بر این، «به او قرآن [و احکام دینش] را بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)؛ زیرا «هیچ ارثی چونان ادب [گران‌مایه و ارزشمند] نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴) و «بهترین ارثی که پدران برای فرزندانشان بر جا می‌گذارند ادب [و تربیت نیک] است، نه ثروت؛



[چراکه] ثروت [در معرض تلف است و] از بین می‌رود، ولی ادب باقی می‌ماند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۵۰).

براین اساس، پدر و مادر در برابر ادب‌آموزی و دین‌داری فرزندان‌شان مسئول‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲) و باید به تربیت آنان عنایت ویژه داشته باشند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲) و از خدا بخواهند که بر این کار مهم یاریشان کند (منسوب به امام سجاده علیه السلام، ص ۱۲۰). اگر والدین در این زمینه و رعایت دیگر حقوق فرزندان کم‌توجهی کنند، ممکن است به نفرینشان دچار شوند (ابن‌اشعث کوفی، بی‌تا، ص ۱۸۷؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۳). امام سجاده علیه السلام فرمود:

حق فرزندی بر تو آن است که بدانی او از تو [و پارهٔ تنت] است و نیک و بد او در این دنیا به تو نسبت داده می‌شود. تو برای سرپرستی او از نظر ادب‌آموزی، خداشناسی و یاری بر [دین‌داری و] فرمانبرداری خداوند مسئولیت داری؛ پس در تربیت او [آگاهانه و با بینش] عمل کن؛ چونان کسی که می‌داند [برای این مسئولیت بازخواست خواهد شد و] برای نیکی به او پاداش و برای بدرفتاری با او کیفر خواهد دید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۲).

ایشان در سخنی دیگر فرمود: «در تربیت فرزندی به گونه‌ای رفتار کن که در دنیا مایهٔ زیبایی [و عزت و آبرومندی] او شود» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳).

۳.۲. آماده‌سازی برای سن تکلیف

نوجوان با ورود به سن تکلیف موظف به انجام امور دینی است؛ پس بهتر است، در یک دورهٔ کارورزی، آهسته و کم‌کم، از نظر روحی و جسمی برای این مسئولیت آماده شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «ما کودکانمان را از پنج‌سالگی به نماز و امی‌داریم و شما از هفت‌سالگی فرزندان‌تان را به نماز وادارید (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۰؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۶).



امام باقر علیه السلام فرمود: «ما فرزندانمان را از هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که توان آن را دارند، تا نصف روز یا بیشتر یا کمتر و می‌داریم و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار می‌کنند تا به روزه عادت کنند و توان روزه‌داری بیابند. شما نیز کودکان را از نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می‌توانند فراخوانید و هرگاه تشنگی بر آنان غالب آمد، افطار کنند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۹).

برای رعایت حریم، پیشگیری از انحراف اخلاقی و آموزش روابط سالم با نامحرم، بستر فرزندان (بسته به شرایط جسمی و روحی آنان) در شش (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳) یا هفت (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳) یا ده سالگی (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۰) جدا شود. دختر از شش سالگی و پسر از هفت سالگی توسط نامحرم بوسیده نشود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۳۳).

۴.۲. تشویق متناسب و تنبیه سازنده

تشویق به‌جا و تنبیه سازنده، دو عنصر کلیدی در تربیت‌اند. «تشویق و ترغیب، یکی از مهم‌ترین اصول آزمایش‌شده در روان‌شناسی تجربی است و اگر به‌نحو مؤثری صورت پذیرد، نقش بسزایی در پیشرفت کودکان و توسعه رفتار مناسب آنان خواهد داشت و نه تنها موجب تغییر رفتار مطلوب آنان شده، بلکه به آن‌ها اعتماد به نفس بیشتری خواهد داد» (وکیلان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶).

نظریه روان‌شناسی رفتارنگر، بر اهمیت استفاده از پاداش و تنبیه دلالت دارد. استفاده از پاداش ممکن است رفتارهای مطلوب را تقویت کند، درحالی که استفاده از تنبیه، بازدارنده بعضی از رفتارها است (مویس و رینولدز، ۱۳۸۴، ص ۸۱). مطالعات متعدد نشان داده است آثار تربیتی تشویق به مراتب بیش از تنبیه است؛ به‌ویژه اینکه تنبیه چونان تیغی دولبه است که اغلب نتیجه معکوس به بار آورده و یادگیری کودکان را مختل می‌کند (وکیلان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹).



تنبيه يعنى بيدار کردن و آگاه ساختن فرد غافل (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۳۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۴۶) و این زمانی به دست می آید که سازنده و متناسب و هم سنگ با خطای آن فرد باشد. هم سانی و سازندگی، دو شرط کلیدی در همه تنبيه ها و تشویق ها هستند و بی توجهی به آن ها گاهی منجر به «بدترین نوع تنبيه يعنى تنبيه بدنی می شود که غالباً نتیجه عکس می دهد» (وکیلان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸) و شخصیت خطاکار را ویران کرده، عقده حقارت را در او می کارد؛ همچنین، به او یاد می دهد چگونه دیگران را با این شیوه نادرست مجازات کند.

راوی گوید: «از رفتار بد پسر به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. فرمود: او را کتک زن، بلکه از او کناره گیر، ولی [این قهر را] طول نده» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۹)؛ زیرا زمان محرومیت نباید آن قدر طول بکشد که موجب نومیدی خطاکار و سرشکستگی او شود، بلکه هدف از این قهر، آگاه سازی اوست؛ پس همین که آثار پشیمانی پدیدار شد، باید از محروم کردن دست برداشت و خطاکار را در اصلاح یاری نمود. «شواهد نشان داده که خردسالان بیش از بزرگ سالان نیازمند تشویق بوده و نسبت به نبود آن، حساسیت بیشتری از خود نشان می دهند» (وکیلان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶).

امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود: «مبادا نیکوکار و بدکار در دیده ات برابر آیند که رغبت نیکوکار را در نیکی کم کرده و بدکار را به بدی کشاند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). با این حال، «تحسین بایستی واقع گرایانه و متعادل باشد و افراط در آن موجب می شود که دروغین تلقی شود» (مویس و رینولدز، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱).

براین اساس، مناسب است وقتی نوجوانان نماز روزانه خود را می خوانند یا در ماه رمضان روزه می گیرند یا کار نیکی می کنند و یا سخن خوبی بر زبان جاری می سازند، به گونه ای مناسب تشویق شوند. نقل شده که «روزی امام حسن از کنار کودکانی که سرگرم بازی بودند و تکه نانی در دست داشتند و می خوردند، گذر کرد. آنان امام را به خوردن نان دعوت کردند. امام پذیرفت و کنارشان نشست و نان خورد. آنگاه ایشان را به خانه برد و به



آنان خوراکی و لباس داد و فرمود: دعوت آنان از دعوت من ارزشمندتر بود؛ زیرا آنها هر چه داشتند به من دادند، ولی من بیش از آنچه به آنها دادم دارم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸).

۲.۵. ابراز محبت

تجربه نشان داده کودکانی که در کانون گرم خانواده از محبت سیراب شده‌اند، کمتر به دام انحراف و بزهکاری گرفتار شده، در بزرگسالی افرادی خون گرم، مهرورز و دستگیر خواهند شد؛ از این رو، در آموزه‌های دینی به سیراب کردن آنان از این نیاز فطری سفارش شده است؛ «حضرت موسی به پروردگار عرضه داشت: پروردگارا، برترین کارها نزد تو چیست؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا گوهرشان را بر یکتاپرستی سرشته‌ام و اگر جانشان ستانم، در بهشت رحمت جای دهم» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۹۳).

پیامبر ﷺ فرمود: «پدر و مادری که به فرزندش نگاه کند و او را شاد نماید، پاداش [بزرگی هم سنگ] آزاد کردن بردگان خواهد داشت» (فتال نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۹) و در سخنی دیگر فرمود: «کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند بلندمرتبه برایش پاداش مقرر کند و کسی که فرزندش را شاد کند، خداوند در رستخیز او را شاد کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹). امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا پدر و مادری که عاشقانه فرزندش را دوست دارد، به رحمت خاص می‌نوازد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰) و در سخنی دیگر فرمود: «نیکی [و محبت] پدر به فرزندش، [هم سنگ] نیکی او به پدر و مادرش است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۳).

«مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: پدر و مادرت. و پس از چند لحظه فرمود: [همچنین] به فرزندان» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹). از جلوه‌های مهم ابراز محبت، بوسیدن فرزندان است که موجب جلب رحمت خدا، و کسب درجه‌ای در بهشت است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰).



گویی محیط زندگی خشک و سوزان بادیه‌نشینان و سبک خشن زندگی آنان، دل‌هایشان را هم سخت و چشمه مهر و عاطفه‌شان را خشک کرده بود. پیامبر ﷺ ناچار بود این مهر غریزی را به آنان یادآور شود؛ از این رو، می‌فرمود: «فرزندان را زیاد ببوسید که با هر بوسه‌ای مرتبه‌ای [افزون] در بهشت خواهید داشت» (فتال نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۹) و خود «هر روز صبح دست [محبت] بر سر فرزندان و نوه‌هایش می‌کشید» (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۹). پیامبر ﷺ، امام حسن و امام حسین را که کودک بودند، بوسید. کسی به ایشان عرض کرد: من ده فرزند دارم و تاکنون یکی از آنان را نبوسیده‌ام. فرمود: چه کنم که خدا رحم را از دلت برداشته است؟» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰) و مطابق با نقلی دیگر فرمود: «آن که مهر نورزد، به او مهر نورزند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۵). هرگاه پیامبر ﷺ در اندرز دادن فردی تأثیری نمی‌دید، برای آگاه‌سازی و پیشگیری از لغزش یارانش، به گونه‌ای درباره عواقب شوم آن عمل هشدار می‌داد؛ چنان که: «مردی نزد پیامبر آمد و گفت: من تاکنون هیچ کودکی را نبوسیده‌ام. وقتی رفت، پیامبر [به یارانش] فرمود: این مردی است که [اگر با این سنگ دلی بمیرد] از نگاه من اهل دوزخ است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰).

با این همه، میانه‌روی در همه کارها، از جمله مهرورزی به فرزندان، امری بایسته و از سفارش‌های دینی است؛ امام کاظم علیه السلام فرمود: «بهترین کارها میانه‌روی در آن است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۴۱) و امام باقر علیه السلام فرمود: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی [به فرزندان] زیاده‌روی می‌کنند و بدترین فرزندان کسانی هستند که با کوتاهی [در رسیدگی به پدر و مادر]، به نفرین آنان گرفتار می‌شوند» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۰).

۲. ۶. احترام و بزرگداشت

گوهر وجودی انسان، ارجمند و شایسته احترام است. «خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای همچون عقل برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره‌وری، کریم و بزرگوار داشته است. این کرامت به اصل انسان بودن بازمی‌گردد و به دسته معینی از آدمیان



اختصاص ندارد (اسراء، ۷۰)؛ پس هر که گوهر درونش را پاس داشته و جلوۀ بیشتری بخشد، سزاوار کرامتی افزون‌تر است (حجرات، ۱۳)» (باقری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۹۱). افزون‌بر این، استقلال‌خواهی، به‌ویژه در نوجوانان، موجب می‌شود انتظار داشته باشند تا حدی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شوند و این ویژگی مبتنی بر رفتاری مؤدبانه و محترمانه از سوی بزرگ‌ترها است؛ «اینکه زمان‌هایی را به گفت‌وگو با او اختصاص دهند و سخنانش را بشنوند و برای حل مشکلاتش چاره‌جویی کنند، پیش از خواب با شب‌به‌خیر و پس از بیداری با صبح‌به‌خیر و پیش از مدرسه‌رفتن با بوسه و بدرقه، وی را محترم و عزیز بدانند» (گریوانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵).

پیامبر اکرم فرمود: «فرزندانتان را گرامی دارید و به آنان ادب نیک بیاموزید که آموخته می‌شوید» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲) و در سخنی دیگر فرمود: «پنج کار را تا زمان مرگ ترک نمی‌کنم تا پس از من سنت شود [که ازجمله آن‌ها] سلام کردن به کودکان [است]» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۸۱). انس بن مالک گوید: «پیامبر از کنار کودکان گذشت و به آنان سلام کرد، و همیشه این کار را می‌کرد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۵۵). ابوالحسین بن محمد که نویسنده امام رضا (ع) بود، گوید: «او [امام رضا]، فرزندش محمد [امام جواد] را با اینکه کودک و در مدینه بود، همواره با کنیه [که نشان احترام و بزرگداشت است] یاد می‌کرد و می‌فرمود: ابوجعفر به من نامه نوشته و من به ابوجعفر نامه نوشته‌ام. و نامه‌هایش را در نهایت رسایی و زیبایی پاسخ می‌داد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۴۰).

۷.۲. خوش‌قولی در انجام وعده‌ها

یکی از راه‌های آموزش راست‌گویی به فرزندان آن است که در عمل به وعده‌ای که به آنان می‌دهیم خوش‌قول باشیم، بلکه آن را چونان بدهی واجب خود تلقی کنیم؛ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کودکان را دوست بدانید و به آن‌ها مهر ورزید و هرگاه به آنان وعده‌ای دادید به قولتان عمل کنید، زیرا آنان شما را روزی رسان خود می‌دانند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۹).



امام صادق علیه السلام از پدرانیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «هریک از شما به فرزندش وعده‌ای داد، به آن عمل کند» (ابن‌اشعث کوفی، بی‌تا، ص ۱۶۶). امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرگاه به کودک‌کان [خود] وعده‌ای دادید به قولتان عمل کنید؛ زیرا آنان شما را روزی رسان خود می‌دانند. همانا خداوند بلندمرتبه برای چیزی خشمگین نمی‌شود که مانند خشم او به [ستم به] زنان و کودک‌کان باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰). امام رضا علیه السلام فرمود: «ما اهل بیت، وعده خود را [چونان] بدهی بر [گردن] خود [لازم] می‌دانیم [که حتماً باید پرداخت کنیم و انجامش دهیم]، همچنان که پیامبر چنین می‌کرد» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۶). نان‌آوری پدر در نگاه نونهالان، مظهر روزی‌بخشی پروردگار است و بدعه‌دی وی، افزون بر بدآموزی عملی، ممکن است تصویری نامطمئن از این صفت برایشان به یادگار بگذارد.

۸.۲. اندرز به اندازه و راهنمایی به جا

اندرز به اندازه و راهنمایی به جا، مخاطب را از خطرهای آگاه می‌کند و تاحدی از لغزش در ورطه گناه و اشتباه نگه می‌دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «و پند ده؛ زیرا پند برای مؤمنان سودمند است» (ذاریات، ۵۵). لقمان حکیم با پندواندرز، به فرزندش درباره مسائل اعتقادی و عملی آگاهی می‌بخشد (لقمان، ۱۳-۱۹).

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «در اندرز تو کوتاهی نکردم و هر چقدر برای [نیک‌بختی] خود بیندیشی، به [پای] اندیشه‌های [مهرورزانه و آزموده] پدرت نمی‌رسی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). باین حال، نصیحت نابه‌جا یا بیش از اندازه نیز زیان‌بار است و گاه نتیجه عکس دارد؛ همچنان که وقتی «گروهی در خراسان نزد امام رضا آمدند و گفتند: عده‌ای از خاندان تو رفتارهای بدی انجام می‌دهند و ای کاش آن‌ها را نهی کنید، امام [که ظاهراً تأثیری در نصیحت آنان نمی‌دید] فرمود: چنین نمی‌کنم. گفته شد: چرا؟ فرمود: زیرا [این سخن را] از پدرم شنیدم که اندرز [برای شنونده، سنگین و] درشت است [و گاه تأثیر عکس دارد]» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۰). این رفتار در مواجهه با

نوجوانان، توجه و دقت بیشتری می‌طلبند تا هنگام سخن گفتن با آنان، به سطح فهم و ظرفیت و مقتضای حالشان توجه داشته باشیم؛ چنان‌که امام صادق از پیامبر اکرم نقل می‌کند: «ما گروه پیامبران فرمان داریم متناسب با سطح فهم مردم با آنان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۳).

۹.۲. غفلت آگاهانه از خطاهای کوچک

یکی از ویژگی‌های انسان‌های بزرگوار، غفلت آگاهانه از خطاهای دیگران است. امام علی علیه السلام فرمود: «برترین منش بزرگوار، چشم‌پوشی بسیار [از خطاهای دیگران] است، [به‌ویژه] از آنچه آگاه می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۱). این شیوه تعامل، در رویارویی با نوجوانان که سرشار از انرژی، سرزندگی و بازیگوشی هستند و دوست دارند با تجربه، دنیای پیرامون را شناسایی کنند و با آزمون و خطا به زیست تجربی دست یابند، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین، روا نیست همه اشتباه‌های آنان را به رخشان بکشیم و با تنبیه‌های نابه‌جا، شور زندگی‌شان را کم‌فروغ و شخصیت‌شان را لگدمال کنیم، بلکه گاهی باید خود را به ندیدن و نشنیدن بزنیم تا حرمت و کرامتشان حفظ شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «زندگی و معاشرت درست با مردم، [چونان] پیمانه‌پُری است که دوسومش هوشیاری و یک‌سومش نادیده‌گرفتن است» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۹)؛ به سخن دیگر، زندگی چونان پیمانه‌ای است که دوسومش با هوشیاری و آگاهی پُر شده و یک‌سومش با گذشت کریمانه و بی‌توجهی بزرگوارانه، رعایت این نکته ظریف، بسیاری از مسائل رفتاری نوجوانان و همچنین، خانواده و جامعه را سامان می‌بخشد. امام علی علیه السلام فرمود: «با مردم درباره ریزِ امور حسابگری نکنید و با چشم‌پوشی از چیزهای پست، بر ارزش خود بیفزایید» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۴).

این غفلت آگاهانه و چشم‌پوشی از خطاهای ناشی از بازیگوشی، افزون‌بر حفظ کرامت انسانی، مانع شکستن قبح خطا شده، حریم اجتماعی آنان را پاس می‌دارد؛ همچنین، بذر

بخشش را در آنان شکوفا ساخته تا در مواجهه با خطاهای دیگران، پرده‌پوشی و گذشت را پیشه سازند.

از آنچه گذشت، روشن شد تغافل به معنای ساده‌انگاری، بی‌اعتنایی یا تأیید خطا نیست، بلکه راهبردی تربیتی برای حفظ آبروی خطاکار و جلوگیری از شکستن قبح خطاست. افزون‌بر این، فقط در امور فردی و جزئی، جاری است، نه در مسائل مهم و اجتماعی. البته در مواردی که تغافل موجب شود تا فرد خاطی، تغافل‌کننده را هم‌سو با خود تلقی کرده و بر ادامه خطا تشویق شود، در چنین مواردی چشم‌پوشی روا نیست و بایستی با خوش‌خلقی و ادب، وی را راهنمایی کرد» (سیدنژاد و یوسفیان، ۱۴۰۰، ص ۲۳۰).

۲. ۱۰. پرهیز از سرزنش جلوی دیگران

تربیت بر شکیبایی و دل‌سوزی استوار است. قرآن کریم درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همانا فرستاده‌ای از خودتان به‌سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او دشوار است؛ به [راهنمایی و دستگیری] شما بسیار علاقه‌مند است [و] به مؤمنان، دل‌سوز [و] مهربان است» (توبه، ۱۲۸). یکی از نمودهای این خیرخواهی و دل‌سوزی، حفظ آبروی نوجوانان و پرهیز از سرزنش آنان نزد دیگران به‌ویژه دوستانشان است؛ چراکه اندرز در حضور دیگران، شخصیت فرد را ویران کرده، موجب شرمندگی و رنجش وی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).

از امام علی علیه السلام نقل شده است: «پنددادن [کسی] در حضور دیگران، کوبیدن [شخصیت او] است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۴۱). همچنین، از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است: «کسی که برادرش را پنهانی اندرز دهد، او را زینت داده و کسی که او را آشکارا پند دهد، [چهره] وی را [نزد دیگران] زشت کرده است» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹).

البته اگر آشکارا و در حضور دیگران کار بدی انجام داده باشد، لازم است برای آگاه‌سازی بینندگان از بدی آن عمل و پرهیز از تکرار آن، آموزش‌هایی را به‌صورت





عمومی مطرح کرد و با رعایت حرمت فرد خاطی، تنبیهی متناسب و سازنده در نظر گرفت. در واقع، اصلاح وی «باید به گونه‌ای انجام شود که عزت نفسش آسیب نیند و با انتقاد از رفتار بد او، و نه شخص او، دلایل نامناسب بودن آن را بیان کرد. پس باید از توهین، تحقیر، سرکوفت زدن یا دستپاچه کردن عمدی وی نزد دیگران پرهیز نموده و به جای آن، رفتارش را نقد و اصلاح کرد» (مویس و رینولدز، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱). «براساس برخی پژوهش‌های تجربی، تشویق در حضور دیگران موجب پیشرفت پیوسته کودکان شده، ولی سرزنش در حضور دیگران، تغییری کوتاه و مقطعی به دنبال داشته است» (وکیلان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹).

۲. ۱۱. ارائه الگوهای مناسب

خردسالی از مهم‌ترین دوره‌های تربیت، یادگیری و الگوپذیری است. از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که: «دانش [و آموزش] در خردسالی، چونان نقش بر سنگ [پایدار] است» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۹) و ذهن خالی و خوی شکل نگرفته، جان وی را پذیرای بذری می‌سازد که زودتر از دیگر بذرها در او کاشته شود.

امام علی به فرزندش امام حسن فرمود: «دل نوجوان چونان زمین خالی است که هرچه در آن افکنند بپذیرد؛ از این رو به ادب آموختن پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت و ذهنت مشغول شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام علی (علیه السلام) درباره تربیت خود توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آن گاه که خردسال بودم، مرا در کنار خود نهاد... [و طوری تربیت کرد که] هرگز دروغی در سختم [نشنید] و خطایی در رفتارم نیافت... و من چونان کودکی که در پی مادرش دوان است، همواره در پی او [و با او] بودم؛ هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم [آشکار و] بر پا می‌کرد و مرا به پیروی از آن وامی‌داشت» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). یکی از راه‌های مؤثر در الگوپذیری خردسالان از پیشوایان، توصیف صفات والای آنان همچون راست‌گویی و امانت‌داری است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را [به رسالت] برنگزید مگر همراه با راست‌گویی و امانت‌داری برای نیکان و [حتی] بدان» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۴). پیامبر



اکرم پیش از بعثت در میان مردم به این دو ویژگی شناخته می‌شد و به او لقب «امین» داده بودند (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۱، ص ۱۵۶) و خداوند با ستایش این شیوه نیکو (قلم، ۴) و دعوت مؤمنان به این خُلق و خو (مؤمنون، ۸؛ معارج، ۳۲)، ایشان را سرمشقی نمونه یاد کرده (احزاب، ۲۱) و همگان را به پیروی از ایشان فراخوانده است (نساء، ۱۳، ۶۹ و ۸۰).

پدر و مادر، نخستین الگوی طبیعی فرزندان‌اند و فرزندان با مشاهده صفات اخلاقی والدین و تقلید از ایشان، خلق و خوی اولیه و زیربنایی خود را پی‌ریزی می‌کنند؛ پس اگر پدر و مادر درست کار باشند، فرزندان‌شان نیز در محیطی سالم رشد کرده و خوی درست کاری در آنان نهادینه می‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «با درست کاری پدران، فرزندان [نیز از خطا و لغزش و انحراف] حفظ می‌شوند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۲۳۶) و «با رستگاری مرد مؤمن، [زمینه] خوشبختی فرزندان و فرزندزادگانش [نیز] فراهم می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۳۱۲).

۱۲.۲. راهنمایی در انتخاب دوستان خوب

در آموزه‌های دینی برای دوست شایسته و هم‌نشین خوب، ویژگی‌هایی یاد شده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۵-۲۶) تا آنجا که انسان را بر دین دوست و آیین هم‌نشین معرفی کرده‌اند؛ امام صادق به نقل از پیامبر اکرم فرمود: «انسان بر آیین دوست و هم‌نشین خود است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۷۵). در قیامت برخی از گنهکاران از اینکه با دوست بد کردار هم‌نشین بوده‌اند، به شدت حسرت خورده، سخت اظهار پشیمانی می‌کنند: «و روزی که ستمکار [از حسرت] دستانش را می‌گزد [و] می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی در پیش می‌گرفتم. وای بر من، ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. او مرا گمراه کرد پس از آنکه قرآن به من رسیده بود. و شیطان انسان را بی‌یاور می‌گذارد» (فرقان، ۲۷-۲۹). از امام علی علیه السلام نقل شده است:

میراث هم‌نشینی با بدان، بدگمانی به نیکان است [و از سوی دیگر]، هم‌نشینی با نیکان، بدان را [سر به راه کند و] در حلقه نیکان درآورد. هرگاه درباره کسی دودل بودید و باورهایش



را نشناختید، به دوستانش بنگرید؛ اگر دین‌دار بودند، او نیز باورمند است و اگر چنان نبودند، او نیز بهره‌ای از دین خدا ندارد (صدوق، بی‌تا «الف»، ص ۶).

جان انسان لطیف است و بسته به توان و استعداد، از دیگران رنگ می‌پذیرد و اگر با درست کار یا بدکار هم‌نشین شود، از خوی او وام گرفته و همانند او می‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: «با بدکار هم‌نشین مباش؛ زیرا طبع تو ناخودآگاه خوی بد او را می‌دزدد [و از او تأثیر می‌پذیرد]» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۷۲) و در سخنی دیگر فرمود: «هم‌نشینی با هواپرستان موجب فراموشی ایمان [و کم‌رنگ شدن دین‌داری] و حضور [فریب کارانه] شیطان است» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). در روایتی آمده است:

امام سجاد علیه السلام به فرزندش فرمود: «فرزندم، پنج کس را در نظر دار و با آنان هم‌نشین و هم‌سخن مشو و در هیچ راهی با آنان همراهی مکن». گفت: «پدر جان، آنان چه کسانی هستند؟». فرمود: «مبادا با دروغ‌گو هم‌نشین شوی که چونان سراب است [و] دور را نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می‌دهد. مبادا با فاسق [و لایبالی] هم‌نشین شوی که تو را به لقمه‌ای یا کمتر از آن می‌فروشد. مبادا با بخیل [و تنگ‌نظر] هم‌نشین شوی که هنگام نیازمندی شدید تو به مالش، تو را واگذارد. مبادا با احمق دوست شوی که می‌خواهد به تو سود رساند، ولی زیان می‌رساند. مبادا با کسی که با خویشانش قطع رابطه کرده هم‌نشین شوی که من او را در قرآن نفرین شده یافتم» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۷۹).

همچنین در روایات از هم‌نشینی با کسانی که خلق و خوی ناشایست دارند و اهل گناه و دروغ و بدعت‌اند نهی شده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۶).

۱۳.۲. پاسخ به پرسش‌های دینی

دوره نوجوانی، آغاز پرسشگری درباره امور اعتقادی و احکام دینی است و اگر نوجوانان به درستی با حکمت احکام آشنا شوند، در پذیرش و عمل به آن مشتاق‌تر و استوارتر خواهند بود؛ چراکه احکام دین براساس مصلحت بندگان تشریع شده



(منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۴) و در روایات فراوانی به حکمت تشریع برخی از آن‌ها اشاره شده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۸۸-۱۲۱؛ صدوق، بی تا «ب»، ج ۱ و ۲).

آگاهی از حکمت تشریع احکام، دل‌ها را برای پذیرش حق و عمل به احکام آماده‌تر ساخته، به سرسپردگی عابدانه، رنگ‌وبوی خردمندانه می‌بخشد. روایت‌های فراوانی که از پیشوایان در این باره نقل شده (ر.ک: صدوق، بی تا «ب»، ج ۱ و ۲)، در راستای دستیابی به همین هدف است.

نوجوانان نیازمند پاسخ‌های عمیق، پیچیده و فلسفی نیستند، بلکه با مثال‌های ساده نیز قانع می‌شوند و باید همان پاسخ عمیق را در قالبی ساده به آنان تحویل داد؛ ولی این ساده‌گویی باید با درست‌گویی همراه باشد و به این بهانه که ممکن است پاسخ اصلی را نفهمند، نباید پاسخ نادرستی به ایشان داد. درست‌گویی و ساده‌گویی، دو رکن مهم در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی خردسالان است. در پاسخ‌گویی به پرسش‌های ناظر به امور جنسی، افزون بر این دو قید، باید پرده‌پوشی و حیا را نیز لحاظ کرد تا قبح موضوع شکسته نشود.

۱۴.۲. مدارا در آموزش نماز

یکی از راه‌های مناسب برای آموزش نماز به خردسالان آن است که پدر و مادر اجازه دهند آن‌ها هنگام نماز خواندن، کنارشان بازی کنند و اگر در سجده یا قیام بر پشتشان نشستند، مانع نشوند؛ این شیوه، خاطره‌ای خوش از نیایش و نقشی زیبا از نماز در ذهن پاک آنان به یادگار می‌گذارد و موجب می‌شود این عمل مهم عبادی را در فضای بازی و بدون آموزش رسمی یاد بگیرند.

گزارش‌های رسیده درباره شیوه رفتار پیامبر با خردسالانی که در نماز با او بازی می‌کردند، شگفت‌انگیز است؛ برای نمونه، ابن مسعود و انس می‌گویند:



روزی پیامبر خواست نماز بخواند، در حالی که حسن به او آویزان شده بود. آن گاه پیامبر او را کنار خود نشاند و نماز را آغاز کرد. وقتی پیامبر به سجده رفت، سجده را طول داد. [راوی گوید: سر از سجده برداشتم] تا بینم چرا سجده پیامبر طولانی شده است. پس حسن [را دیدم که] بر شانه پیامبر [سوار] بود. وقتی پیامبر نماز را به پایان رساند، مردم به ایشان گفتند: «ای پیامبر خدا، در این نماز سجده ای [طولانی] کردی که پیش از این [در نماز جماعت] چنین سجده نمی کردی و گویی به شما وحی می شد». پیامبر فرمود: «به من وحی نشد، ولی پسر من بر دوشم نشسته بود و دوست نداشتم که او را شتاب زده [پیاده] کنم [و صبر کردم] تا اینکه [بازی اش به پایان رسید و خودش] پایین آمد». و مطابق با نقلی دیگر فرمود: «پسر من سوارم شده بود و دوست نداشتم که شتاب کنم تا نیازش [به بازی] را انجام دهد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۴).

۱۵.۲. هم بازی شدن

بازی موجب تخلیه انرژی سرشار خردسال و رشد جسمی و روحی او و فرصتی جذاب برای آزمون و خطا در راستای درک درست امور زندگی است. پیروزی های حین بازی، ناکامی های زندگی را به فراموشی سپرده، آرامش روانی و تعادل رفتاری را به ارمغان می آورد. این نیاز طبیعی، هوش و حواس و احساسات خردسالان را رشد داده، وجوه مختلف شخصیتی آنان را شکوفا ساخته و نحوه تعامل و ارتباط با دیگران را به آنان می آموزد (حسینی زاده، ۱۳۹۷، ص ۷۱-۷۳)؛ از این رو، در روایات، سفارش شده خردسالان را واگذارند تا هفت سال نخست زندگی را به بازی بگذرانند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲-۲۲۳).

هم بازی شدن با خردسالان موجب هم زبانی و درک مشترک در راستای فراگیری و کشف آیین درست زندگی در فضای شاد کودکانه است. امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که



فرزند [خردسالی] دارد، [برای هم‌زبانی با او هم‌بازی شود و] کودک کی کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰).

پیامبر اکرم بارها با نوه‌هایش (امام حسن و امام حسین) بازی می‌کرد و آنان را بر پشت یا دوش خود سوار می‌کرد و آن‌ها هی‌هی می‌گفتند و پیامبر می‌فرمود: «چه خوب شتری دارید و شما چه سواران خوبی هستید!» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵).

۲. ۱۶. مانع‌سازی

گاهی غفلت خطاکار، مانع دل‌کندن وی از اشتباه است، ولی می‌توان با تدبیر و مدیریت و ایجاد مانع بیرونی، او را از لغزش بازداشت؛ مثلاً بیماری را در نظر بگیرید که غذای چرب و مضر دوست دارد و از آن پرهیز نمی‌کند یا کسی که به استعمال دخانیات علاقه‌مند شده، یا کسی که به تماشای فیلم‌های غیراخلاقی آلوده شده و یا معاشرتی که زمینه گناه را فراهم می‌آورد؛ در این گونه موارد، با ایجاد مانع و پرهیز مقطعی می‌توان زمینه انحراف را برچید و اراده آنان را در رهیدن و گریز از خطا تقویت کرد. ابن عباس گوید:

فضل بن عباس، روز عرفة کنار پیامبر ایستاده بود، ولی [با چشم‌چرانی] به زن‌ها نگاه می‌کرد. پیامبر چند بار با دست خویش صورت او را از زنان برگرداند؛ ولی او دوباره به آنان خیره می‌شد. پیامبر به او فرمود: «پسر برادرم، امروز روزی است که هرکس مالک گوش و چشم و زبانش شود، آمرزیده می‌شود» (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۵۴).

۲. ۱۷. جایگزین‌سازی

گاهی لازم است به‌جای رفتار سلبی (مانند مانع‌سازی و پرهیزدادن)، انرژی و نیروی خطاکار را در مسیر درست جهت دهیم و با ارائه جایگزین بهتر، تلاش وی را در رسیدن به مقصودی سودمند نتیجه‌بخش ساخته، نفس پُرتنش او را آرام کنیم. به سخن دیگر، به‌جای پیراهه‌ای که به روی او بسته‌ایم، با مقابله مثبت، راه درستی پیش رویش بگشاییم. راوی گوید:

در کودکی به نخل‌های انصار سنگ می‌زدم تا خرما بیفتد و بخورم. انصار به پیامبر شکایت کردند. پیامبر به سراغم آمد و فرمود: «چرا به نخل‌ها سنگ می‌پرانی؟». گفتم: «برای اینکه خرما بخورم». فرمود: «به نخل‌ها سنگ نزن، ولی از آنچه که پایین نخل ریخته بخور». آن‌گاه دستی بر سرم کشید و فرمود: «پروردگارا، شکمش را سیر گردان» (ابن‌ابی‌الدنیا، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۶).



نتیجه گیری

تربیت اخلاقی فرزندان مبتنی بر سیره پیشوایان، نیازمند کاربرست بایسته‌هایی است تا باورها و رفتارهای آنان را در مسیر کمال جهت بخشد و با نهادینه کردن عادت‌های پسندیده، کثری‌های خُلقی و رفتاری را از ایشان دور بدارد.

این بایسته‌ها عبارت‌اند از: توجه به نظام تربیتی فرزندان که در سه مرحله تفریحی، آموزشی و راهنمایی تعریف شده است.

کاربرست این نظام تربیتی، نیازمند زمینه‌سازی است و والدین باید به تأمین حقوق فرزندان، ادب‌آموزی ایشان و ایجاد آمادگی در آنان برای ورود به سن تکلیف و انجام وظایف دینی، توجه و اهتمام کافی داشته باشند؛ همچنین، با پاسخ‌های ساده و درست به پرسش‌های دینی و مدارا در آموزش نماز و ارائه الگوهای مناسب، آنان را در یادگیری و پوییش مسیر درست زندگی راهنمایی کنند.

سیراب کردن فرزندان از چشمه جوشان محبت، افزون‌بر پاسخ‌گویی به این نیاز مهم فطری، عشق و مهرورزی و دستگیری از دیگران را در آنان نهادینه خواهد ساخت؛ همچنین احترام به آنان موجب حفظ کرامت و ارتقای شخصیت ایشان می‌شود و خوش‌قولی در انجام وعده‌ها، خوی راست‌گویی و وفاداری را در آنان تقویت می‌کند. یکی از نمودهای خیرخواهی و دل‌سوزی در تربیت، حفظ آبروی خطاکار و پرهیز از سرزنش وی نزد دیگران است تا شخصیت و عزت‌نفسش آسیب نبیند.

لازمه این مهم، غفلت آگاهانه از خطاهای کوچک و ناخواسته اوست تا قبح خطا شکسته نشود، بلکه بذر بخشش در وی شکوفا شود و یاد بگیرد در مواجهه با خطاهای دیگران، پرده‌پوشی و گذشت را پیشه سازد. تشویق متناسب و تنبیه سازنده مکمل این امر است و اگر به‌نحو مؤثری صورت پذیرد، نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه رفتار مناسب خواهد داشت.

افزون‌بر این، هم‌بازی شدن با فرزندان موجب هم‌زبانی و درک مشترک در راستای فراگیری و کشف آیین درست زندگی در فضای شاد کودکانه است. راهنمایی در انتخاب



دوستان خوب، فرزندان را از گمراهی رهانیده و با اندرز به اندازه و راهنمایی به جا، از
خطرها و لغزش‌های پیش رو آگاه و ایمن خواهند شد؛ این مهم، گاهی از طریق مانع‌سازی
و گاه با جایگزین‌سازی به دست می‌آید.





کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.

ابن ابی الدنیا، عبدالله (۱۴۱۰ق)، العیال، تحقیق نجم عبدالرحمن خلف، السعودية: دار ابن القيم.

ابن اشعث کوفی، محمد (بی تا)، الجعفریات، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

ابن سعد، محمد (۱۹۶۸م)، الطبقات الکبری، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انتشارات علامه.

ابن الاثیر، المبارک بن محمد (۱۳۹۹ق)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، بیروت: المکتبه العلمیه.

ابن مالک، محمد بن عبدالله (بی تا)، ألفیه ابن مالک فی النحو و الصرف، مکه: دار التعاون.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

باقری، خسرو (۱۴۰۱)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، دمشق: دار طوق النجاة.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه.

پورشافعی، هادی و میثم غلام پور (۱۳۹۹)، اخلاق حرفه ای در تربیت، بیرجند: انتشارات دانشگاه بیرجند.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسراء.

حر عاملی (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.



- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حسینی زاده، علی و محمد داودی (۱۳۹۷)، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حلی، ابن فهد (۱۴۰۷ق)، *عده الداعی*، قم: دار الکتب الاسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: الدار الشامیة.
- سیدنژاد، سیدرضی و نعمت الله یوسفیان (۱۴۰۰)، *شیوه های مواجهه معصومین با مفاسد اخلاقی*، قم: زمزم هدایت.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا «الف»)، *صفات الشیعة*، تهران: اعلمی.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا «ب»)، *علل الشرائع*، قم: مکتبه الداوری.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا*، تهران: جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم: شریف رضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه المرتضویة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا)، *روضه الواعظین*، قم: رضی.
- کاردان، علی محمد، علی رضا اعرافی، محمدجعفر پاک سرشت، علی اکبر حسینی و حسین ایرانی (۱۳۸۴)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰ق)، *کنز القوائد*، قم: دار الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- گریوانی، مسلم (۱۳۹۹)، *اصول و شیوه های تربیت توحیدی کودکان*، قم: جمال.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: صدرا.

منسوب به امام سجاد علیه السلام (۱۳۷۶)، *الصحيفة السجادية*، قم: دفتر نشر الهادی.

منسوب به امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶ق)، *فقه الرضا*، مشهد: کنگره امام رضا.

مویس، دانیل و دیوید رینولدز (۱۳۸۴)، *آموزش مؤثر*، ترجمه محمدعلی بشارت و حمید شمسی پور، تهران: رشد.

وکیلان، منوچهر (۱۳۹۱)، *روش ها و فنون تدریس*، تهران: پیام نور.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.



References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

۱. Attributed to Imam Reza (۱۹۸۰). *Feqh al-Reza*. Mashhad: Imam Reza Congress.
۲. Attributed to Imam Sajjad (۱۹۹۷). *al-Sahifa al-Sajjadiyya*. Qom: Hadi Publications Office.
۳. Bagheri, Khosrow (۲۰۲۲). *A Fresh Look at Islamic Education*. Tehran: Madreseh Publications.
۴. Barqi, Ahmad ibn Muhammad (۱۹۰۱). *al-Mahasin*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
۵. Bukhari, Muhammad ibn Ismail (۲۰۰۱). *Sahih al-Bukhari*. Damascus: Dar Tawq al-Najat.
۶. Fattal Nishaburi, Muhammad ibn Hasan (n.d.). *Rawdat al-Wa'izin*. Qom: Razi.
۷. Geryavani, Moslem (۲۰۲۰). *Principles and Methods of Monotheistic Education of Children*. Qom: Jamal.
۸. Harrani, Hasan ibn Shu'ba (۱۹۸۳). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Society of Seminary Teachers Publications.
۹. Hilli, Ibn Fahd (۱۹۸۶). *Uddat al-Da'i*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
۱۰. Hosseinzadeh, Ali & Davoodi, Muhammad (۲۰۱۸). *Educational Conduct of the Prophet and Ahl al-Bayt*. Qom: Research Institute of Hawza and University.
۱۱. Hurr Amili (۱۹۸۸). *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: Al al-Bayt Institute.
۱۲. Ibn Abi al-Dunya, Abdullah (۱۹۸۹). *al-'Iyal*. Edited by Khalaf, Najm Abdul Rahman. Saudi Arabia: Dar Ibn al-Qayyim.
۱۳. Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid (۱۹۸۳). *Sharh Nahj al-Balagha*. Qom: Ayatollah Marashi Library Publications.
۱۴. Ibn al-Athir, al-Mubarak ibn Muhammad (۱۹۷۸). *al-Nihaya fi Gharib al-Hadith wa al-Athar*. Edited by al-Zawi, Tahir Ahmad; al-Tanahi, Mahmoud Muhammad. Beirut: Scientific Library.
۱۵. Ibn Ash'ath Kufi, Muhammad (n.d.). *al-Ja'fariyat*. Tehran: Ninawa al-Hadithat Library.
۱۶. Ibn Malik, Muhammad ibn Abdullah (n.d.). *Alfiyyat Ibn Malik fi al-Nahw wa al-Sarf*. Mecca: Dar al-Ta'awun.
۱۷. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokrram (۱۹۹۳). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sader.
۱۸. Ibn Sa'd, Muhammad (۱۹۶۸). *al-Tabaqat al-Kubra*. Edited by Abbas, Ihsan. Beirut: Dar Sader.
۱۹. Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad ibn Ali (۱۹۰۹). *Manaqib Al Abi Talib*. Qom: Allameh Publications Institute.
۲۰. Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۷). *Stages of Ethics in the Quran*. Qom: Isra.
۲۱. Karajki, Abu al-Fath. (۱۹۸۹). *Kanz al-Fawa'id*. Qom: Dar al-Dhakha'ir.
۲۲. Kardan, Ali Mohammad; A'rafi, Ali Reza; Paksaresht, Mohammad Jafar; Hosseini, Ali Akbar; Irani, Hossein. (۲۰۰۰). *Philosophy of Education*. Qom: Office of Hawza and University Cooperation.
۲۳. Kuleyni, Muhammad ibn Ya'qub (۱۹۸۶). *al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
۲۴. Majlisi, Muhammad Baqir (۱۹۸۳). *Bihar al-Anwar*. Beirut: al-Wafa Institute.
۲۵. Moradi Gerowski, Jamal. (۱۹۸۲). "The Impact of Religious Teachings on Youth Education." *Quarterly Journal of Human Sciences Horizons*, ۸(۸۹), pp. ۵۹-۶۸.
۲۶. Moyes, Daniel; Reynolds, David. (۲۰۰۰). *Effective Teaching*. Translated by Besharat, Mohammad Ali; Shamsipour, Hamid. Tehran: Roshd.
۲۷. Pourshafei, Hadi; Gholampour, Meysam (۲۰۲۰). *Professional Ethics in Education*. Birjand: Birjand University Publications.
۲۸. Raghieb Isfahani, Husayn ibn Muhammad (۱۹۹۱). *al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus: Dar al-Shamiyyah.
۲۹. Saduq, Muhammad ibn Ali (۱۹۰۸). *Uyun Akhbar al-Rida*. Tehran: Jahan.
۳۰. Saduq, Muhammad ibn Ali (۱۹۹۲). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. Qom: Society of Seminary Teachers Publications.
۳۱. Saduq, Muhammad ibn Ali (n.d. [a]). *Sifat al-Shi'a*. Tehran: A'lami.
۳۲. Saduq, Muhammad ibn Ali (n.d. [b]). *Ilal al-Shara'i*. Qom: Maktabat al-Dawari.
۳۳. Seyyednejad, Seyyed Razi & Yusefian, Ne'matollah. (۲۰۲۱). *Methods of the Infallibles in Confronting Moral Corruption*. Qom: Zamzam-e Hedayat.
۳۴. Tabarsi, Hasan ibn Fadl (۱۹۹۱). *Makarim al-Akhlaq*. Qom: Sharif Razi.
۳۵. Tamimi Amedi, Abdul Wahid ibn Muhammad (۱۹۸۷). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Islamic Propagation Office Publications.
۳۶. Tayyib, Sayyed Abdul Hossein (۱۹۹۹). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Islam.
۳۷. Turayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (۱۹۸۳). *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Murtazawiyyah Library.
۳۸. Tusi, Muhammad ibn Hasan (۱۹۸۶). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
۳۹. Vakilian, Manouchehr (۲۰۱۲). *Teaching Methods and Techniques*. Tehran: Payam Noor.
۴۰. Ya'qubi, Ahmad ibn Ishaq (n.d.). *Tarikh al-Ya'qubi*. Beirut: Dar Sader.